

واکاوی موسیقی تیتراژ سربال‌های تلویزیونی

موسیقی تیتراژ مدت‌هاست که جای خود را در مجموعه‌های تلویزیونی سیما باز کرده است. ترکیبی از دو عنصر ملودی و ترانه که روی تیتراژ مجموعه‌های مختلف می‌نشیند...



موسیقی تیتراژ مدت‌هاست که جای خود را در مجموعه‌های تلویزیونی سیما باز کرده است. ترکیبی از دو عنصر ملودی و ترانه که روی تیتراژ مجموعه‌های مختلف می‌نشیند و در شروع یا پایان آن مجموعه برای دقایقی مخاطبان را با خود همراه می‌کند؛ عنصری که در مواردی بسیار تاثیرگذار بوده و به اصطلاح آنقدر «گل می‌کند» که تا مدت‌ها در جامعه و توسط مخاطبان آن برنامه شنیده می‌شود و حتی مخاطبان واژه واژه‌های آن ترانه را بیشتر از داستان خود مجموعه به‌خاطر می‌آورند.

شکی نیست که موسیقی در همه زمان‌ها و احتمالا برای تمام طیف مخاطبان سیما عنصری جذاب و دلپذیر است، اما وضعیت موسیقی تیتراژ مجموعه‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر چه سمت و سویی پیدا کرده؟ آیا این موسیقی‌ها همچنان عنصری برای جذب مخاطب و دیده شدن هرچه بیشتر مجموعه‌ها است یا به عکس، خود از مجموعه‌ها جلو زده و به اثری مستقل و حتی حائز اهمیت‌تر از دیگر عوامل تشکیل‌دهنده و عناصر اثر بدل شده است؟

بدعت و نبوغ، 2 شرط اصلی

بهرام دهقانپار از جمله موسیقی‌سازانی است که تاکنون موسیقی متن و تیتراژ مجموعه‌های تلویزیونی متعددی را ساخته است. کمتر کسی هست که موسیقی مجموعه‌هایی چون «خونه مادربزرگه»، «پدر سالار»، «همسران»، «خانه سبز»، «پاورچین»، «نقطه چین» و این اواخر، «در حاشیه» را به یاد نداشته و خاطراتش از این مجموعه‌ها را با یادآوری موسیقی تیتراژهایشان به یاد نیاورد.

دهقانپار در پاسخ به چرایی این ازدیاد روزافزون استفاده از ترانه در تیتراژ مجموعه‌های تلویزیونی می‌گوید: استفاده از ترانه در تیتراژ، یکی از روش‌های کاربردی موسیقی در آثار نمایشی است و شکی نیست که موجب جلب نگاه مخاطبان و جذابیت بیشتر اثر هم می‌شود، اما اگر قرار باشد این قضیه را به شکلی افراطی یا تکراری و تقلیدی به کار ببریم، طبیعتا بعد از مدتی کارکرد خود را از دست خواهد داد و دیگر نمی‌تواند سازندگان کار را به هدف مورد نظرشان برساند. تولید هر اثر موسیقایی تنها در صورتی موفق است که با بدعت، نبوغ و ابتکار همراه باشد و توسط کارشناس، یعنی کسی که تجربه کافی در آن حیطه داشته و مهارت و علمش را هم دارد، انجام شود و در غیراین صورت اثری ناقص و ابتر خواهد بود.

امری بدون اجبار

سازنده موسیقی مجموعه ماندگار «زیر گنبد کبود» ادامه می‌دهد: ما امروزه این ضعف را می‌بینیم که افرادی به انجام کارهای حرفه‌ای روی آورده‌اند که عموما صلاحیت تجربی را در انجام این کار ندارند. این‌که من بیایم و به صرف این گفته که یک تیتراژ حتما باید موسیقی همراه با کلام داشته باشد، از موسیقی استفاده کنم و خواننده معروفی را هم برای خواندن آن دعوت کنم، اتفاق چندان درستی نیست و به نوعی تقلید کردن از دیگر آثار موفق است. نکته‌ای که باید توجه کنیم این است که هیچ اجباری برای به کار بردن موسیقی با کلام در تمام تیتراژها وجود ندارد و موسیقی متن خود اگر بدرستی و همسو با مضمون داستان کار طراحی و استفاده بشود، دیگر فرقی نمی‌کند که با کلام یا بی‌کلام باشد و قطعا در هر دو صورت تاثیر خود را خواهد گذاشت.

همسو با هدف کلی برنامه

مجید اخشابی از جمله خوانندگانی است که طی این سال‌ها هنوز به تلویزیون وفادار مانده است. او که شهرتش را از تلویزیون و با خوانندگی تیتراژ مجموعه‌های مناسبی موفقی چون «گمگشته» کسب کرده، همین مسیر را هم ادامه داده و هنوز صدای او را بر تیتراژ مجموعه‌های بسیاری می‌شنویم. اخشابی روال کلی ساخت یک موسیقی تیتراژ را این‌طور شرح می‌دهد: اول باید ببینیم که موسیقی قرار است برای چه برنامه‌ای و با چه اهداف و گروه مخاطبانی ساخته شود. بعد با توجه به این ملاک‌ها ترانه کار به شاعر سفارش داده می‌شود. البته اوقاتی هم شده که شعر خوبی از قبل به دستم رسیده بوده و آن را نگه می‌دارم تا در موقع مناسب استفاده کنم. سپس موسیقی و لحن و ملودی و موارد دیگر با توجه به آن حس و حال مدنظر شکل می‌گیرد و نهایتا صدای خواننده به رویش می‌نشیند.

وی در رابطه با این علاقه و اصرارش بر ادامه خواندن تیتراژ در مجموعه‌های تلویزیونی می‌گوید: من در این سال‌ها تجربه و شناختی از نیاز مخاطبان پیدا کرده‌ام و هنوز هم با علاقه به پیش می‌روم. متأسفانه خیلی وقت‌ها موسیقی‌هایی را در تیتراژ مجموعه‌های تلویزیونی مختلف می‌شنویم که به لحاظ معنایی و محتوایی هیچ ربطی با مجموعه یا برنامه مورد نظر ندارد و گویی صرفا قطعه‌ای است که از یک آلبوم موسیقی انتخاب شده است.

این خواننده در تاکید اهمیت و نقش موسیقی می‌گوید: به هر حال موسیقی از اهمیت بالایی برخوردار است و گاه حتی می‌توان چکیده و محتوای یک مجموعه چند ده قسمتی را در یک موسیقی سه دقیقه‌ای گنجانده و خلاصه کرد، بنابراین از اهمیت موسیقی تیتراژ نباید غافل شد؛ چراکه به نوعی آرم و پیشانی برنامه تلقی می‌شود و به عقیده من،

تهیه‌کنندگانی که به دیده شدن برنامه‌شان اهمیت می‌دهند، نباید نقش موسیقی را در آثار دست‌کم بگیرند. موسیقی این قدرت را دارد که حتی اگر چند سال پس از تمام‌شدن مجموعه یا برنامه‌ای موسیقی اثر را بشنوید، تمام خاطرات و حواشی و موضوع برنامه را به خاطرتان بیاورد و به یاد آن کار بیفتید. بنابراین من موافق و حامی استفاده از موسیقی تیتراژ در برنامه‌ها هستم و ایراد و انتقادی را به این روند وارد نمی‌دانم.

موسیقی به تنهایی معجزه نمی‌کند!

امیر توسلی از موسیقی‌سازان جوان صداوسیماست که ساخت موسیقی مجموعه‌هایی چون «شمس‌العماره»، «سقوط یک فرشته» و «مختارنامه» را عهده‌دار بوده است. وی در تعریف شرایط کنونی موسیقی تیتراژ در مجموعه‌های تلویزیونی معتقد است: اگر می‌خواهیم موسیقی‌های تیتراژ باکیفیت داشته باشیم، در وهله اول باید کیفیت آثار نمایشی‌مان را ارتقا ببخشیم. اساساً اگر کیفیت خود مجموعه یا برنامه‌ای مطلوب نباشد، تلاش‌های دیگر عوامل هم نتیجه‌ای نمی‌دهد و حتی اگر موسیقی کار هم خوب باشد، مخاطب از راه‌های دیگری اثر را دنبال می‌کند. توسلی تأکید می‌کند: البته باید این قضیه را هم در نظر بگیریم که نسل هم در حال تغییر است و طبیعتاً هرساله چهره‌های جوان‌تری به جای اساتید موسیقی قدیمی مشغول کار می‌شوند، اما نکته مهم اینجاست که همین آدم‌های تازه هم باید تجربه داشته و حداقلی از کیفیت را در کارهایشان رعایت کنند. این عوامل همه در کنار هم کلیت واحدی را تشکیل می‌دهند و نمی‌توانیم صرفاً از موسیقی توقع داشته باشیم که معجزه کند و با قدرت خود به تنهایی مجموعه‌ای را نجات بدهد!

زهرا غفاری